

صحتمند و شادکام باشید! شما در نامه تان مقوله "شاه شجاع سوم" را بمیان کشیده و کنایتا به این اشاره می نمایید که گویا کسانی هستند که به اطلاق همین مقوله بر شخص کرزی باور نداشته و بنابراین، موضع "جبهه متحد ضد امپریالیسم و ارتجاع - افغانستان" را هم در اینخصوص، جدی تلقی نمیکنند و میکوشند آنرا کمزنگ جلوه دهند. شما مبنای همین استنباط و باور خودتان را، گزارشی قلمداد نموده اید که میبایست در همین اواخر در سایت "گفتمان" به نشر رسیده باشد.

البته باید بگویم که ما از این گزارش هیچگونه اطلاعی نداشته، و نمی دانیم که در آن آیا از "جبهه..." و ارگان نشراتی آن "قطب نما"، اسما ذکری بعمل آمده است یا خیر؛ و چگونه است که شما به این باور رسیده اید که هدف گزارشگر، کمزنگ جلوه دادن موضع "جبهه..." میباشد؟

راستش راجع به همین گزارشی که شما بدان اشاره می نمایید، نمی دانستیم و نمی دانیم چه بگویم! چنانچه گزارشگر محترم واقعا قصد کرده باشد که واقعیت وجودی شخص "شاه شجاع سوم" را انکار، تا براین پایه مصداقیت خود همین مقوله را هم به سوال کشد، ایجاب می نمود تا برای این مقصد، تحلیلی بسیار جامع علمی و مستدل از اوضاع و شرایط عینی حاکم بر جامعه بدست داده و از اینطریق - البته برخلاف مواضع نیروهای انقلابی مردمی، که فکر و نظر اکثریت مردم آزاده و آزادیخواه کشور را نمایندگی می نمایند - قبل از همه، ثابت می ساخت که کشورش افغانستان، نه یک کشور اشغالی، بلکه آزاد و مستقل میباشد که برای حراست از حاکمیت ملی، حفظ امنیت، ... و پیشبرد امور جامعه، منحصرأ به نیروی خود و به درایت رهبران وطندوست، پاکدامن، خوشنام، کارآزموده، منتخب، و صاحب اراده و استقلال خودش متکی میباشد.

با یک چنین کار و تلاش ارزشمندی بود که ما و امثال ما هم ضرورتا، خودمان را موظف میدانستیم تا به شیوه متناسبی، به ارزیابی و نقد نظرات ایشان پردازیم؛ اما چنانچه خود بهتر می دانید، گزارشگر مورد نظر به چنین کاری مبادرت نورزیده، برعکس بقول شما احتمالا کوشیده است و آنهم البته با لطفه گویی، تا موضعگیری "قطب نما" را گویا کمزنگ جلوه گر سازد!!!

بهر حال چنانچه این احتمال وارد هم باشد، اما گمان نمی رود که مقدور باشد، با لطفه گویی و یک گزارش طنز آمیز، مقوله "شاه شجاع سوم" را از هستی اجتماعی ساقط، و براین نهج، موضع "جبهه..." را هم، کمزنگ و بی اعتبار گردانید؛ بمصداق ضرب المثل معروف، "آفتاب را نمیشود با دو انگشت پنهان ساخت".

برعلاوه موکدا باید بعرض رسانید که این تنها "جبهه..." نبوده و نیست که از "شاه شجاع سوم" صحبت می نماید.

اگر اعلامیه های نامبرده "جبهه..."، اولین منشوراتی هم بوده باشند که اصطلاح "شاه شجاع سوم" را بکار می برند، ولی این اختراع "جبهه..." نبوده، تا آنرا ساده و رایگان تفویض جناب کرزی نماید؛ چه این مشخصا امپریالیست های امریکایی هستند که با استخدام آقای کرزی و نصب وی در مقام کنونی "شاه شجاع امریکایی"، به همین لقب ایشانرا تاجپوشی نموده اند؛ دقیقا همانطوری که شوروی ها سلف وی، یعنی ببرک کارمل، و انگلیس ها شاه شجاع ابدالی را.

"شاه شجاع" مقوله ایست سیاسی تاریخی با مفهومی یگانه، گویا، و قابل فهم برای همه، که از نظر زمانی، حد اقل سه سده متوالی را بهم پیوند میدهد؛ پس شاه شجاع اول، دوم، و سوم، نه القابی اختراعی، ذهنی و تجریدی؛ نه اسمای بدون مسمای؛ و نه حتی شخصیت هایی خیالی افسانه ای، بلکه موجوداتی بوده و میباشند عینی تاریخی، همسرشت، و همسرنوشت.

شاه شجاع سوم محصولیست امریکایی، و با همین خصوصیت هم است که مقام تاریخی می یابد؛ و این نه تنها موضع "جبهه..." و "قطب نما"، بلکه واقعیتی میباشد که باور و قناعت اکثریت مردم آزاده و وفادار کشور را تداعی می نماید که بگواهی تاریخ، همواره در محراق دفاع از آزادی، از هیچ ایثار و فداکاری ای دریغ ننموده و بدینوسیله، بخون خویش خط فاصل خودشان را با هرگونه مزدورمنشی، عبودیت، و ننگ اسارت استعماری ترسیم نموده اند.

با همه این احوال، شگفتی نخواهد داشت، چنانچه در قبول این واقعیت و کاربرد مقوله "شاه شجاع سوم" تردید نمایند؛ و یا هم اطلاق آنرا بر شخص کرزی، بیاد استهزا بگیرند.

اگر برای برخی ها از قماش همین گزارشگر مورد نظر و فعالین شورای بسیار بدنام دموکراسی، که اینک سایت "گفتمان" را اداره می نمایند، کرزی یک شخصیت ملی صاحب وجهه بین المللی، یک رئیس جمهور منتخب مردم و دارای مشروعیت دموکراتیک میباشد و ...؛ پس منطقا نمیتوان و نباید انتظار داشت که آنها همچنان، با اطلاق لقب "شاه شجاع سوم" بر همین مرجع آمال و آرزوهای خودشان، همنوایی نشان داده و از آن استقبال نمایند؛ چون آنها هم، بر مدلول و پیشینه تاریخی همین مقوله بعنوان سمبولی از غدر، خیانت، بیگانه پرستی، میهن فروشی ... و شخصی که همه همین سجایای خیلی زشت و نکوهیده را در خویشتن خود متجسم میسازد، کاملا وقوف دارند. بنابراین پذیرش این تسمیه و به رسمیت شناختن آن توسط آنها، بمعنای اعتراف به خیانت ملی، و تسلیم طلبی خود آنها نیز خواهد بود؛ چون آنها هم در همه کارنامه های سیاه و ننگین همین دولت دست نشانده و حامیان بین المللی آن شریک بوده، و لکه ننگین تاریخی را بر جبین دارند.

با عرض ارادت  
(بابا)